

روند اصلاح تقویم هجری شمسی در ۱۳۰۴ ش

سید محمود سادات بیدگلی*

استادیار، گروه تاریخ، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

m.sadat@yahoo.com

مریم مدنی جاوید

کارشناس ارشد تاریخ، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

madani71.m@gmail.com

(دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵، پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۹)

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی روند اصلاح تقویم رسمی ایران به تقویم هجری شمسی در ۱۳۰۴ ش است. قبل از انقلاب مشروطیت معمولاً در جامعه از تقویم‌ها و سال‌شماری‌های متعددی چون تقویم هجری قمری، گاه‌شماری دوازده حیوانی و از بروج آسمانی استفاده می‌شد. این امر باعث به وجود آمدن مشکلات متعددی در تطبیق دادن تقویم‌ها می‌شد و هم‌چنین موجب بروز اختلافات بسیاری در تقویم‌ها می‌شد و هم در معاملات اقتصادی مشکلات فراوانی به وجود می‌آمد. روش این پژوهش توصیفی مبتنی بر اسناد و مدارک آرشیوی و منابع اصلی است و در پی پاسخی مناسب به سؤال اصلی این پژوهش است که زمینه‌ها، اهداف و روند اصلاح تقویم هجری شمسی چه بود و چگونه اتفاق افتاد؟ یکی از آنها، قانون محاسبات عمومی بود که در مجلس شورای ملی دوم به تصویب رسید و به موجب آن در محاسبات دولتی از تقویم هجری شمسی استفاده شد. از دیگر زمینه‌ها، فعالیت فرهنگی روزنامه کاوه بود. تقی زاده مقالاتی در باره لزوم اصلاح تقویم و استفاده از تقویم هجری شمسی نگاشت تا اینکه در پنجمین دوره مجلس شورای ملی، تقی‌زاده که یکی از نمایندگان مجلس بود طرح تغییر اسامی ماه‌ها را مطرح کرد. این طرح در ۱۱ فروردین ۱۳۰۴ ش به تصویب رسید هرچند برخی منابع تغییر تقویم را به رضا شاه منسوب می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: تقویم، تقویم هجری شمسی، سید حسن تقی‌زاده، گاه‌شماری.

مقدمه

در دوران اسلامی گاه‌شماری هجری قمری، تقویم رایج ایران بود. این تقویم به علت سیار بودن ماه‌های قمری نسبت به فصل‌های سال برای وصول مالیات و برای استفاده در کارهای دولتی مناسب نبود، به همین جهت از گاه‌شماری‌های شمسی مثل گاه‌شماری خراجی و جلالی نیز استفاده می‌شد. بعد از انقلاب مشروطه و هر چه مدرن‌تر شدن امور مملکت نیاز به یک تقویم ثابت بیش از پیش احساس شد. در سال ۱۲۸۹ ش/۱۹۱۰ م در دومین دوره مجلس شورای ملی، قانونی به تصویب رسید که به موجب آن در محاسبات دولتی از تقویم شمسی و ماه‌های برجی استفاده شد؛ تقویمی که از دستاوردهای نجوم‌الدوله است. سال‌ها بعد در پنجمین دوره مجلس شورای ملی به علت مشکلات استفاده از چند تقویم، قانون تغییر اسامی ماه‌ها پیشنهاد شد و در فروردین ۱۳۰۴ ش/مارس ۱۹۲۵ م این قانون تصویب شد. این قانون که ناظر به تغییر نام ماه‌ها به نام‌هایی است که تا امروز از آنها استفاده می‌شود - یعنی فروردین، اردیبهشت... اسفند - عملاً استفاده از تقویم‌های برجی، ترکی و هم‌چنین تقویم هجری قمری را به کنار می‌نهد. سؤال اصلی این پژوهش این است که اهداف مورد نظر نخبگان این دوره برای استفاده از تقویم هجری شمسی چه بوده است و زمینه‌ها و روند این اصلاح به چه شکلی انجام شده است؟

در این باب پژوهش درخوری که در جزئیات به این موضوع پرداخته باشد، یافت نشد. محمدرضا صیاد پیش‌تر مقاله‌ای با عنوان «پیدایش و سیر تحول تقویم هجری شمسی» نوشته است که در آن به سه موضوع پرداخته است: الف) تاریخچه پیدایش تقویم هجری شمسی که در آن به نقش میرزا عبدالغفار نجم‌الدوله در استفاده از تقویم هجری شمسی برجی اشاره شده است؛ ب) سیر تحول تقویم هجری شمسی که در آن به هر دو گونه تقویم هجری شمسی برجی و تقویم هجری شمسی که نام ماه‌های آن به ترتیبی است که امروزه استفاده می‌شود صحبت شده است؛ ج) بررسی برتری‌های علمی تقویم هجری شمسی زیرا نویسنده معتقد است این تقویم از لحاظ نجومی و طبیعی بهترین و دقیق‌ترین تقویم جهان است.

پیشینه استفاده از تقویم هجری شمسی

واژه تقویم دارای معانی گوناگونی است: «زمان وقوع پدیده یا حادثه‌ای نسبت به یک مبدأ معین» را گاه‌شمار و «دفتری (خطی یا چاپی) حاوی اطلاعات زمانی-نجومی یک

دورهٔ یک‌ساله را گاهنامه می‌نامند (قاسملو، ص ۸۰۸). سید حسن تقی‌زاده برای برآورد زمان، لفظ گاه‌شماری را که معادل تحت‌اللفظی اصطلاح آلمانی *zeitrechnung* و هم‌چنین معادل اصطلاح عربی «معرفة المواقیت» است وضع کرد (تقی‌زاده، ۱۳۱۶، ص ۱). استفاده از نظام گاه‌شماری شمسی بر مبنای مبدأ هجرت پیامبر به جای نظام گاه‌شماری قمری بر مبنای همان مبدأ در مناسبات حکومتی سرزمین ایران سابقهٔ چندانی ندارد. هر چند پس از تسلط اعراب بر این سرزمین در دوره‌های مختلف نظام‌های گاه‌شماری شمسی، چه با مبدأ هجرت پیامبر و چه با مبدأ آغاز یا پایان حکومت یزدگرد ساسانی، توسط منجمان به‌کار گرفته می‌شدند اما در مناسبات دولتی چنین امری مرسوم نبوده است. از نمونه‌های اندک متأخر می‌توان به عالم‌آرای عباسی نوشتهٔ اسکندر بیگ منشی اشاره کرد که در آن از ارکان گاه‌شماری جلالی ولی با مبدأ جلوس شاه‌عباس بر تخت سلطنت استفاده شده است (قاسملو، ص ۸۳۴). البته او در کتاب خود از سال‌های ترکی نیز استفاده کرده است، برای مثال او حوادث سال اول جلوس شاه‌عباس را این طور آغاز می‌کند: «ذکر باقی حالات و واقعات سنهٔ تنگوزئیل^۱ سال اول جلوس سعادت مأنوس همایون اعلی» (منشی، ج ۲، ص ۵۹۰-۵۹۴).

این اختلاط در به‌کار بردن گاه‌شماری‌های مختلف و تهیهٔ تقویم بر اساس آنها تا دورهٔ قاجار نیز در ایران معمول بوده است و از نام سال‌های ترکی در کنار ماه‌های قمری یا نام برج‌ها استفاده می‌شده است. در سال ۱۲۹۱ق/ ۱۸۷۲م محمدحسن خان اعتماد السلطنه سالنامه‌ای رسمی تدوین کرد که در آن تاریخ هجری قمری با تاریخ میلادی تطبیق داده شده بود. تدوین چنین تقویم‌هایی در دوره‌های گذشته نیز مرسوم بوده است

۱. پس از حملهٔ مغولان یک نوع گاه‌شماری بر اساس دوره‌های ۱۲ ساله در ایران مرسوم شد که در آن هر یک از سال‌ها به نام جانوری خوانده می‌شد و معنایی احکامی داشت، مثلاً سال گاو را سال فراخی نعمت و سال موش را سال تنگی نعمت می‌پنداشتند. این دورهٔ دوازده‌گانه به نام اویغوری یا ختایی نیز شناخته می‌شود (بیرشک، ص ۲۰۱) اسامی سال‌ها در این گاه‌شماری به‌قرار زیر است: سیچقان ئیل (سال موش)؛ اودئیل (سال گاو)؛ بارس ئیل (سال پلنگ)؛ توشقان ئیل (سال خرگوش)؛ لوی ئیل (سال نهنگ)؛ ئیلان ئیل (سال مار)؛ یونت ئیل (سال اسب)؛ قوی ئیل (سال گوسفند)؛ پیچی ئیل (سال میمون)؛ تخاقوی ئیل (سال مرغ)؛ ایت ئیل (سال سگ)؛ تنگوز ئیل (سال خوک) (صفایی، ص ۵). احتمالاً باقی ماندن نام گاه‌شماری اویغوری، به‌ویژه در ساختار حکومتی ایران، به علت ضبط جزئیات آن در زیج الغ بیگ بود. ابونصر فراهی در نصاب الصبیان (ص ۵۸) اسامی این ماه‌ها را در دو بیت به نظم آورده است:

موش و بقر و پلنگ و خرگوش شمار
و آنگاه به اسب و گوسفند است حساب
زین چهار که بگذری نهنگ آید و مار
حمدونه و مرغ و سگ و خوک آخر کار

اما ویژگی این تقویم آن است که در برخی از امور دولتی تیران به‌طور رسمی به‌کار گرفته شد. در این دوران استخراج تقویم از سال ۱۲۹۰ ق/ ۱۸۷۳ م به عهده میرزا عبدالغفار گذاشته شده بود که در آن زمان از طرف ناصرالدین شاه ملقب به نجم‌الملک بود. اعتماد السلطنه در این باره می‌نویسد:

چون تقویم‌های متعدد از چند مستخرج انتشار می‌یافت اختلافات مابین آنها مایهٔ تشتت آرا می‌گردید، پس حکم اکید همایونی بر این‌گونه شرف صدور ارزانی داشت که در میان کافهٔ مردم ایران جز تقویم استاد الکل حاجی میرزا عبدالغفار نجم‌الملک اصفهانی انتشار به هم نرساند و تقاویم سایر علما فن تنجیم به هیچ وقت انطباع نپذیرد (ج ۱، ص ۱۲۹-۱۵۶).

میرزا عبدالغفار فرزند ملا علی محمد اصفهانی از ریاضی‌دانان و منجمان مشهور عهد قاجار است. او ریاضیات و نجوم را نزد پدرش آموخته بود و از شاگردان و استادان مدرسهٔ دارالفنون بود. در تقویم ۱۳۰۳-۱۳۰۴ ق/ ۱۸۸۶-۱۸۸۷ م که عبدالغفار استخراج کرده بود، عبارت «هجری شمسی ۱۲۶۵» بدون ذکر نام و ماه در بالای بعضی از صفحات تقویم آمده است. او سال بعد ارتباطی بین روزها و بروج سال شمسی با مبدأ هجرت پیامبر از مکه به مدینه برقرار کرد و ستون جدیدی برای روزها و بروج دوازده‌گانه حمل، ثور و... ایجاد کرد و بدین ترتیب نخستین تقویم هجری شمسی برجی را در تقویم خود درج کرد (صیاد، ص ۱۰۹-۱۱۸).

زمینه‌های اصلاح تقویم

از دورهٔ ناصری به‌تدریج سازمان‌های نوین اداری در ایران تأسیس شدند. برای محاسبات اداری و پرداخت حقوق کارکنان دولت لازم بود از تقویمی ثابت استفاده شود. از این رو پس از گشایش مجلس دوم شورای ملی در آبان ۱۲۸۸ ش/ اکتبر ۱۹۰۹ م، نمایندگان مشروطه‌خواه نیاز به یک تقویم رسمی را احساس کردند و طرحی به مجلس تقدیم کردند. در جلسهٔ ۸۲ مجلس دوم شورای ملی، به تاریخ ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ ق/ ۳۱ فروردین ۱۲۸۹ ش/ ۲۱ آوریل ۱۹۱۰ م معبدالحسین خان وحیدالملک^۱ طرحی راجع به تغییر تاریخ از هجری قمری به هجری شمسی را پیشنهاد کرد. هرچند این طرح تأیید شد، اما

۱. میرزا عبدالحسین شیبانی (۱۲۵۲-۱۳۴۲ ق) ملقب به وحیدالملک نمایندهٔ منتخب تهران در دوره‌های دوم و سوم مجلس شورای ملی. وی در دورهٔ چهارم نمایندهٔ مردم تبریز بود.

روند اصلاح تقویم هجری شمسی.../۲۳۹

نمایندگان معتقد بودند اجرای این طرح بین عموم مردم به واسطه وجود آمدن مشکلات در حال حاضر صلاح نیست و فقط در ادارات دولتی لازم‌الاجرا است. در این جلسه عده‌ای از نمایندگان از جمله تقی‌زاده با نظر کمیسیون موافق بودند. اسدالله خان^۱ یکی از نمایندگان اظهار داشت که احتیاجی به این طرح نیست زیرا در لایحه قانون محاسبات عمومی که به مجلس پیشنهاد شده است، قید شده که از سال بعد تاریخ رسمی، شمسی خواهد شد و به همین علت طرح وحیدالملک تصویب نشد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲، جلسه ۸۲، (۱۲۸۹/۱/۳۱)).

حدود هفت ماه بعد در جلسه ۱۷۴ مجلس به تاریخ ۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۸ ق/۲۰ آبان ۱۲۸۹ ش/۱۲ نوامبر ۱۹۱۰ م لایحه قانون محاسبات عمومی به رأی نمایندگان گذاشته شد. این لایحه مشتمل بر ۵۷ ماده بود و از دو قسمت تشکیل می‌شد: قوانین محاسبات عمومی که وزیر مالیه پیشنهاد کرد و قوانین مربوط به ادارات که مستشارالدوله به وزیر مالیه پیشنهاد کرده بود. تقی‌زاده این لایحه را همانند قانون اساسی برای وزارت مالیه می‌داند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲، جلسه ۹۶، (۱۲۸۹/۳/۲)). در ماده اول در باره تعیین بودجه چنین آمده است:

بودجه دولتی، سندی است که معاملات دخل و خرج مملکتی برای مدت معینی در آن پیش‌بینی و تصویب شده باشد، مدت مزبور را سند مالیه می‌گویند و عبارت است از یک سال شمسی.

در ماده سوم آمده است که مقیاس زمان بعد از این در محاسبات دولتی سال‌های شمسی و ماه‌های بروجی خواهد بود. آقا میرزا مرتضی قلی خان^۲ معتقد بود که باید از ماه‌های شمسی استفاده شود به این علت که اولاً مشخص کردن بروج مشکلات فراوانی دارد، از جمله اینکه تحویل برج در هر ماه متفاوت است چون تعداد شبانه روز هر برج برابر با مدت حرکت مرکز خورشید در همان برج است که از ۲۹ تا ۳۲ شبانه روز در تغییر است و به این ترتیب مشخص نمی‌شود که در تقویم سی روز بنویسند یا سی و یک یا بیست و نه روز، اما ماه‌های شمسی از روی نوروز مشخص می‌شود که اولش فروردین است و هر ماه را سی روز حساب کنند، تعداد روزهای هر ماه مشخص می‌شود و فقط پنج روزی را در آخر سال که به آن خمرسه می‌گویند اضافه می‌شود و اینکه در جنوب کشور و یزد و

۱. میرزا اسدالله خان معروف به کردستانی، نماینده سنندج در دوره‌های دوم تا پنجم مجلس شورای ملی بود.
۲. میرزا مرتضی قلی خان صمصام بختیاری (۱۲۵۵-۱۳۳۸ ق)، نماینده اصفهان و آخرین خان بختیاری است.

کرمان در معاملات اداری از ماه‌های فارسی استفاده می‌شود (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲، جلسه ۱۷۴، (۱۲۸۹/۸/۲۰)).

اما عده‌ای هم چون ارباب کیخسرو و فهیم الملک^۱ مخالف این پیشنهاد بودند و اعتقاد داشتند که مردم چند سالی است به ماه‌های برجی عادت کرده‌اند و از آنجا که ارباب کیخسرو زرتشتی بوده و تقویم زرتشتیان یزدگردی است و اسامی ماه‌ها در تقویم زرتشتی هم نام ماه‌های فارسی است و تقریباً شش ماه با این تقویم شمسی اختلاف دارد این ایراد را وارد کرد که اگر این اسامی ماه‌ها فارسی باشد، این تقویم را با تقویم یزدگردی اشتباه می‌گیرند. به این ترتیب این لایحه بدون تغییر به تصویب مجلس دوم رسید (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، همان).

به همین ترتیب در سندی که در اردیبهشت ماه ۱۲۹۰ ش/ماه می ۱۹۱۱ م برای وزارت معارف نوشته شده چنین آمده است:

سال مالی ایرانی مطابق قانون محاسبات عمومی برجی است قدغن فرمایید بعد از این تاریخ مکاتبات اداری بدون استثنا بروج باشد (سازمان اسناد...، سند شماره ۵۷۴-۲۹۷؛ تصویر شماره ۱).

احتمالاً این نامه به سبب ادامه رواج استفاده از نام ماه‌های دیگر نوشته شده است.

از دیگر زمینه‌های اصلاح تقویم می‌توان به فعالیت‌های سید حسن تقی‌زاده در این باب اشاره کرد. سید حسن تقی‌زاده از نمایندگان دوره دوم مجلس شورای ملی بود که به علت قتل سید عبدالله بهبهانی و انتساب این قتل به دموکرات‌ها و شخص او، از کشور خارج شد (افشار، ص ۱۵۷). او در برلین روزنامه کاوه را منتشر می‌کرد. او به ناسیونالیسم گرایش داشت و یکی از اهداف این روزنامه ترویج باستان‌گرایی بود و در شماره‌های گوناگون این روزنامه به گاه‌شماری ایران پرداخت. او در دوره قدیم روزنامه کاوه، در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۲۹۵ ش/۱۸ آوریل ۱۹۱۶ م، در مقاله‌ای از قانون محاسبات عمومی که در مجلس شورای ملی به تصویب رسید انتقاد کرده بود که وقتی سال شمسی را برای امورات دولتی و تجارتي استفاده کرده‌اند، چرا ماه‌های ایرانی را به

۱. خلیل فهیمی (۱۲۵۵-۱۳۳۲)، نماینده مردم قزوین بود.

کار نبرده‌اند؟ چرا از بروج آسمانی حمل و ثور که بلژیکی‌ها آن را به واسطهٔ عدم آشنایی با عادات و آداب ملی و تاریخی در ادارات دولتی معمول کرده‌اند، استفاده کردند؟ (روزنامهٔ کاوه، دورهٔ قدیم، ش ۵-۶، (۱۲۹۵/۱/۲۹)، ص ۳)

تقی‌زاده در ۲۱ فروردین ۱۳۰۰ ش/۱۰ آوریل ۱۹۲۱ م مقاله‌ای با عنوان «نوروز و تقویم ایرانی» در روزنامهٔ کاوه به چاپ رساند و در این مقاله بازم به این موضوع پرداخت که با داشتن تقویمی به ارشاد بلژیکی‌ها که با آداب ملی ما بیگانه هستند، وقتی سال قمری را در معاملات منسوخ کردند، چرا به جای صفر و جمادی و شوال عربی، سرطان و عقرب و دلو نجومی را انتخاب کرده و از ماه‌های فارسی استفاده نکرده‌اند؟ چرا در بعضی از ادارات ایران، تاریخ فرنگی را استعمال می‌کنند که این نهایت بی‌قیدی است؛ زیرا دلیلی ندارد یک ملتی تاریخ مذهبی خود را کنار گذاشته و تاریخ مذهبی دیگری را قبول کند. پیش نهاد تقی‌زاده چنین بود که ایران که الآن پادشاه جوان و صدراعظم‌های جوان دارد، تاریخ و تقویم جدید شمسی را قبول کند. از نظر او، این کار خدمتی به دین اسلام است؛ زیرا دیگر حساب سال قمری به واسطهٔ غلط بودن اساس آن از میان خواهد رفت، یعنی دیگر از استعمال در امور عرفی برافزاده و مخصوص امور مذهبی خواهد شد و اگر به موقع از سال شمسی استفاده نکنیم که مبدأ آن از هجرت نبوی حساب می‌شود، ممکن است تاریخ میلادی جایگزین آن شود. سال شمسی را که نوروز در اول حمل باشد معمول کنند و اسامی ماه‌های ایرانی یعنی فروردین، اردیبهشت تا اسفندارمذ به جای عقرب و خرچنگ استفاده کنند و ترتیب جلالی به قرار ماهی سی روز با پنج روز اندر گاه آخر سال (خمسه مسترقه) و کیسه چهارساله و سی و سه ساله در پیش بگیرند (روزنامهٔ کاوه، دورهٔ جدید، ش ۴، (۱۳۰۰/۱/۲۱)، ص ۶-۹).

تقی‌زاده در این مقاله، برای اولین بار کلمهٔ «گاهنامه» را به جای تقویم و سالنامه استفاده کرده است. تقی‌زاده در شماره‌های بعدی روزنامهٔ کاوه، از لزوم منسوخ شدن سال‌شماری دوازده حیوانی که یکی از عجیب‌ترین تقویم‌هاست صحبت می‌کند. با اتخاذ سال‌شماری مغولی در ایران، نه تنها در تقویم‌ها بلکه دولت ایران و ادارات رسمی، تمام حساب و تاریخ خود را با تقویم خطا و اویغور می‌نویسند و نوشته‌های رسمی پر است

۱. منظور از بلژیکی‌ها گروهی از مستشاران بلژیکی هستند که در این زمان عهده‌دار امور گمرکی در ایران بودند و برخی ایشان را یکی از عاملان استفاده از تقویم شمسی در ایران می‌دانند.

از سال خوک، سگ، مار و بوزینه (روزنامه کاهو، دوره جدید، ش ۷، (۱۳۰۰/۴/۱۶)، ص ۳).

در ۱۳ شهریور ۱۳۰۰ ش/۴ سپتامبر ۱۹۲۱ م دو پیشنهاد در باره تقویم ایران به روزنامه کاهو ارسال شد. پیشنهاد اول از آقا میرزا جعفر شیرازی مدیر تجارتخانه «شرکت تجارتي ایرانیان» در شانگهای چین که می‌گفت:

اسامی ماه‌ها همان اسامی ایرانی باشد و مبدأ تاریخ هجرت پیامبر اسلام و حساب سال هم شمسی باشد؛ اما برای رفع اختلاف با دنیای متمدن در سال و ماه، ابتدای سال را نه از اول بهار بلکه از اول ژانویه فرنگی حساب کنند.

پیشنهاد بعدی را از تهران شخصی به نام عبدالحمید غفاری ارسال کرده بود مبنی بر این‌که اندرگاه یعنی همان خمسه مسترقه به‌جای آن‌که در آخر سال حساب شود، در اول سال به‌عنوان ایام جشن نوروز به حساب بیاید. در انتها روزنامه کاهو پیشنهاد میرزا جعفر شیرازی را قابل‌اعتنا دانست (روزنامه کاهو، دوره جدید، ش ۹، (۱۳۰۰/۶/۱۳)، ص ۱۲).

در جلسه ۷۴ دوره چهارم مجلس شورای ملی، به تاریخ ۱۱ حوت (اسفند) ۱۳۰۰ ش/۲ رجب ۱۳۴۰ ق/۲ مارس ۱۹۲۲ م، ارباب کیخسرو پیشنهاد تغییر تاریخ جشن اعطای مشروطیت از ماه‌های قمری به برج شمسی را داد. این پیشنهاد به این خاطر مطرح شد که چون ماه‌های قمری در گردش است و جشن مشروطیت در این موقع به زمستان افتاده بود و مردم به خاطر سردی هوا نمی‌توانستند در این جشن شرکت کنند لازم بود جشن مشروطیت را با معادل شمسی آن، یعنی ۱۴ برج اسد (مرداد) برگزار کنند. یکی از نمایندگان با این طرح مخالفت کرد که اگر جشن مشروطیت را در روز شمسی آن جشن بگیریم وقتی ایام محرم و صفر با این روز یکی شود در این صورت دیگر نمی‌توان جشن گرفت، یکی دیگر از نمایندگان جواب این ایراد را می‌دهد، جشن مشروطیت که بالاتر از نوروز نیست پس اشکالی ندارد جشن مشروطیت در روز شمسی آن برگزار شود. باز هم ایرادی دیگر مطرح می‌شود مبنی بر اینکه در اصل اول قانون اساسی نوشته شده است که «مجلس شورای ملی به‌موجب فرمان معدلت بنیان مورخه چهاردهم جمادی الاخریه یک هزار و سیصد و بیست و چهار مؤسس و مقرر است». پس در این اصل تاریخ قمری جشن مشروطیت ذکر شده است که این بار خود ارباب کیخسرو جواب می‌دهد، در اصل هشتم آمده است که «مدت تعطیل و زمان افتتاح مجلس شورای

ملی بر طبق نظامنامه داخلی مجلس به تشخیص خود مجلس است و پس از تعطیل تابستان باید از چهاردهم میزان که مطابق جشن افتتاح اول مجلس است مفتوح و مشغول کار شده». در این اصل قانون اساسی تاریخ شمسی آن نوشته شده است. در این میان فهیم الملک پیشنهاد می‌کند که جشن مشروطیت در ۱۴ میزان (مهر) گرفته شود که هم‌زمان با افتتاح اولین مجلس شورای ملی بود، ارباب کیخسرو، سید یعقوب انوار شیرازی و ملک‌الشعرا با این پیشنهاد مخالفت کردند و گفتند:

باید جشن در همان تاریخ گرفته شود، باید در تاریخ، این فصل را به یادگار بگذاریم که مردم در آینده بدانند ما در چه فصلی و چه موقع آزادی را گرفتیم

و در آخر پیشنهاد ارباب کیخسرو به تصویب مجلس رسید (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۴، جلسه ۷۴، (۱۳۰۰/۱۲/۱۱)).

در ادامه، در سال ۱۳۰۱ ش/۱۹۲۳ م سید جلال‌الدین طهرانی، نوعی گاه‌شماری ایجاد کرد که مبدأ آن آغاز سلطنت احمدشاه قاجار، ۲۷ جمادی الاخر ۱۳۲۷ ق/۱۶ جولای ۱۹۰۹ م بود. این گاه‌شماری که تاریخ احمدی نام گرفت، تنها در آثاری که خود طهرانی منتشر می‌کرد، درج شده است (قاسملو، ص ۸۳۵). اسامی ماه‌ها نیز در این تقویم بدین قرار بوده است: فروردین (چمن‌آرا)، اردیبهشت (گل‌آور)، خرداد (خرداد)، تیر (گرما خیز)، مرداد (آتش‌بیز)، شهریور (جهان‌بخش)، مهر (درم‌خوی)، آبان (باران‌ریز)، آذر (اندوه‌گین)، دی (سرماده)، بهمن (برف‌آور)، اسفند (مشکین‌فام) (طهرانی، ص ۱۳).

در این سال‌ها با اینکه در قانون محاسبات عمومی استفاده از گاه‌شماری شمسی به صورت قانون درآمده بود، اما به واسطه وجود چندین گاه‌شماری هم چون سال‌شماری خطا و اویغور، ماه شماری برجی و هم‌چنین استفاده از ماه‌های قمری، در تقویم‌هایی که به چاپ می‌رسید اختلافاتی وجود داشت و مشکلات فراوانی را به وجود آورد. عین السلطنه در خاطرات خود به اختلاف تقویم‌ها اشاره می‌کند:

تقویم دیواری که امسال به طرح تقویم فرنگستان چاپ شده، امروز را شنبه ۱۹ نوشته، در تقویم دیگر که به رسم سابق است امروز را جمعه ۱۹ نوشته. در اولی این ماه را ۲۹ روز و در دومی ۳۰ روز نوشته. معلوم نیست کدام یک صحیح است شاید رؤیت هلال هم نشود. خدا رحم کرد که در ایران به غیر این دو نفر کسی تقویم چاپ نمی‌کند و الا مرافعه از اینها زیادتر بود (حج ۵، ص ۳۹۹).

در این سال‌ها، در اسناد و نوشته‌ها تاریخ‌های گوناگونی به کار می‌رفته، مثلاً غالب وزارتخانه‌ها به خصوص وزارت خارجه از تاریخ قمری و در اسناد گمرک تاریخ میلادی به کار می‌رفت. از این رو وقتی به پرونده‌ای مراجعه می‌شد اختلاف تاریخ‌ها اشکالاتی را به وجود می‌آورد و برای تطبیق دچار مشکل می‌شدند (سازمان اسناد...، سند شماره ۱۳۵۵۳-۲۴۰؛ تصویر شماره ۲)

در ۱۵ حوت (اسفند) ۱۳۰۲ ش/۶ مارس ۱۹۲۴ م، میرزا ابراهیم خان مصلحی، عضو اداره ضبط کلی، جدولی ترتیب داد که از اول سال ۱۲۸۵ ش/۱۹۰۶ م تا آخر سال ۱۳۰۳ ش/۱۹۲۵ م، تمام سال‌های قمری، شمسی و میلادی را تطبیق داده است تا مشکل ادارات دولتی مرتفع گردد (همان). در ادامه وجود مشکلات استفاده از چند تقویم در ایران در ۱۹ ثور (اردیبهشت) ۱۳۰۳ ش (سیچقان ٹیل)/۹ می ۱۹۲۴ م، بخش‌نامه‌ای از میلسپو،^۱ رئیس مالیه به تمام ادارات مالیه فرستاده می‌شود که مطابق دستورهای سابق لازم است در کلیه مکاتبات تاریخ به سال شمسی ایرانی نوشته شود تا برگه‌های وزارتتی از حیث تاریخ مرتب شود. حدود هشت ماه بعد در تاریخ ۲۸ جدی (دی) ۱۳۰۳ ش/۱۸ ژانویه ۱۹۲۵ م، بخش‌نامه دیگری از وزارت مالیه ارسال شد که به موجب تصویب‌نامه هیئت وزرا، مقرر شد که دیگر سنوات ترکی را از آن جهت که غیر لازم است به کار نبرند و فقط به تاریخ شمسی اکتفا کنند (همان، سند شماره ۱۵۲۱۷-۲۴۰؛ تصویر شماره ۳).

روند اصلاح تقویم

مجلس پنجم که می‌توان آن را یکی از مهم‌ترین ادوار مجلس شورای ملی دانست از سال ۱۳۰۲ ش/۱۹۲۴ م شروع به کارکرد. این مجلس از ترکیب گروه‌های مختلف تشکیل شده بود: حزب تجدد با کمک رضاخان صاحب اکثریت شد، سلیمان میرزا در رأس حزب سوسیالیست بود که تعداد افراد این حزب اندک بودند، گروه دیگر که به قول یحیی دولت‌آبادی هیئت روحانی و روحانی‌نما بود، تعدادشان به پانزده نفر می‌رسید که رئیس آنها سید حسن مدرس بود، گروه دیگر هم از افرادی مانند محمد مصدق، مؤتمن‌الملک،

۱. آرتور میلسپو، حقوقدان و کارشناس مالی آمریکایی که در سال‌های (۱۳۰۱-۱۳۰۶ ش) و (۱۳۲۱-۱۳۲۴ ش) برای اصلاح مالیه به استخدام دولت درآمد.

روند اصلاح تقویم هجری شمسی.../ ۲۴۵

مشیرالدوله، سید حسن تقی‌زاده، یحیی دولت‌آبادی منفردین را تشکیل می‌دادند (دولت‌آبادی، ج ۴، ص ۳۱۱).

یکی از طرح‌های مهم مجلس پنجم شورای ملی تغییر اسامی ماه‌ها بود. از پیشنهاد وحیدالملک برای تغییر تقویم کشور به شمسی تا پیشنهاد اولیه تغییر نام ماه‌ها، در روز ۲۱ جدی (دی) ۱۳۰۳ ش/ ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۳۴۳ ق/ ۱۱ ژانویه ۱۹۲۵ ق، حدود چهارده سال گذشته بود. این بار این طرح توسط حدود پنجاه نفر از نمایندگان مجلس مطرح شده بود و به‌قرار زیر بود:

از آنجایی که رشد هر ملتی مستلزم آن است که اساس ملیت خود را بر پایه‌های ملیتش استوار سازد و از غبارهایی که به‌مرور ایام بر اصول تاریخی ملی نشسته پاک کند، یکی از اینها اصلاح تاریخ ماه و سال ملی است، ایرانیان با وجود داشتن بهترین تاریخ شمسی، به اسامی بی‌تناسب حیوانات و یا بروج آمیخته شده است. پیشنهاد این است مجلس شورای ملی با تصویب ماده واحده‌ای، دولت را مکلف سازد که از آغاز نوروز، تاریخ رسمی ایران را به ترتیب سال‌های شمسی قدیم از ماه فروردین تا اسفند ادامه دهد و از ذکر سنوات ترکی و بروج احتراز نماید.

در ابتدا، مجلس برای بررسی همه‌جانبه این موضوع، طرح را به دو کمیسیون مبتکرات^۱ و معارف فرستاد تا قابلیت این طرح را بسنجد. کمیسیون مبتکرات در ۱۵ حوت (اسفند) ۱۳۰۳ ش/ ۶ مارس ۱۹۲۵ م پس از دو ماه بررسی‌های لازم در خصوص تبدیل تاریخ رسمی مملکت به ترتیب سال‌های شمسی قدیم، این طرح را قابل اجرا دانست و تقاضا برای ارجاع به کمیسیون معارف را داشت و اکثر نمایندگان با این تقاضا موافقت کردند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۵، جلسه ۱۳۶، (۱۳۰۳/۱۲/۱۵)).

قبل از روشن شدن تکلیف تغییر اسامی ماه‌ها در مجلس، در ماده هجده قانون سِجَل (شناسنامه) آمده که در کلیه دفاتر سِجَل احوال اعداد باید با تمام حروف به‌ضمیمه ارقام

۱. بر اساس نظام‌نامه داخلی مجلس شورای ملی، هر طرحی را که نماینده نوشته باشد به کمیسیون مبتکرات فرستاده می‌شود و ظرف ۱۵ روز گزارشی از آن به مجلس داده می‌شود که آیا این طرح قابل اجراست یا خیر، این کمیسیون مرکب از ۶ یا ۱۲ نفر بود.

هندسی نوشته شوند و تاریخ شمسی باشد و ممکن است با تاریخ قمری نیز تطبیق شود. حاج آقا اسمعیل عراقی نگران این موضوع بود که ملزم نبودن به نوشتن تاریخ قمری باعث می‌شود تا مذهب خود را هم چون ملیت خود محفوظ نداریم. تدین^۱ جواب می‌دهد این نکته مهم است که تاریخ چه قمری باشد چه شمسی مبدأ آن هجرت پیامبر است و اینکه مبدأ را تغییر نمی‌دهیم (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۵، جلسه ۱۳۸، (۱۳۰۳/۱۲/۱۸)). در نهایت قانون سجد در ۱۴ خرداد ۱۳۰۴ به تصویب رسید.

باگذشت دو ماه از پیشنهاد طرح تغییر اسامی ماه‌ها و رفتن به کمیسیون مبتکرات و کمیسیون معارف و تأیید آن، خبری از اجرای این طرح در مجلس نبود. تقی‌زاده و سلیمان میرزا که پیشنهاد دهندگان اصلی این طرح بودند در ۲۵ حوت (اسفند) ۱۳۰۳ ش/۱۶ مارس ۱۹۲۵ م از نمایندگان می‌خواهند که طرح قانونی راجع به تاریخ رسمی ایران جزء دستور جلسه آینده شود، آن هم به این دلیل که این قانون از اول حمل (فروردین) اجرا شود و در شب عید خیلی مبارک است که این قانون جدید از تصویب بگذرد؛ اما به دلیل این که تعداد نفرات برای رأی‌گیری کم است این طرح به رأی گذاشته نشد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۵، جلسه ۱۴۲، (۱۳۰۳/۱۲/۲۵)).

بالاخره در جلسه ۱۴۳ مجلس شورای ملی به تاریخ ۲۷ حوت (اسفند) ۱۳۰۳ ش/۱۸ مارس ۱۹۲۵ م، گزارش کمیسیون معارف راجع به طرح قانونی ماه‌های باستانی در دو ماده خوانده می‌شود:

ماده اول-مجلس شورای ملی تصویب می‌نماید که از نوروز ۱۳۰۴ تاریخ رسمی سالانه مملکت به ترتیب ذیل معمول گردد و دولت مکلف است که در تمام دوایر دولتی اجرا نماید:

الف) مبدأ تاریخ: سال هجرت حضرت خاتم‌النبیین محمد بن عبدالله (ص) از مکه معظم به مدینه طیبه؛

ب) آغاز سال روز اول بهار؛

ج) سال کماکان شمسی حقیقی؛

۱. سید محمد بیرجندی، معروف به تدین (۱۲۶۰-۱۳۳۰) نماینده خراسان جنوبی (بیرجند) بود.

(د) اسامی و عده ایام ماهها

۱- فروردین ۳۱ روز؛ ۲- اردیبهشت ۳۱ روز؛ ۳- خرداد ۳۱ روز؛ ۴- تیر ۳۱ روز؛ ۵- مرداد ۳۱ روز؛ ۶- شهریور ۳۱ روز؛ ۷- مهر ۳۰ روز؛ ۸- آبان ۳۰ روز؛ ۹- آذر ۳۰ روز؛ ۱۰- دی ۳۰ روز؛ ۱۱- بهمن ۳۰ روز؛ ۱۲- اسفند ۳۰ روز تبصره- به غیر سنین کبیسه اسفند ۲۹ روز خواهد بود.

ماده دوم- ترتیب سال شماری خطا و اویغور که در تقویم های سابق معمول بوده از تاریخ تصویب این قانون منسوخ خواهد شد.

شریعتمدار دامغانی در مخالفت این طرح سخن گفت، از نظر او اولاً اسامی بروج آسمانی بی فلسفه نبود و اینکه این مسأله تغییر اسامی ماهها آن قدر مهم نبوده که مجلس به آن بپردازد. علی کازرونی نیز در مخالفت طرح چنین گفت:

خیال می کردم فقط اسامی سال های ترکی تغییر می کند، اما الفاظ عربی را از میان بردارید زیرا که زبان عربی یک زبان بین المللی برای قاطبه مسلمین است و هم چنین این امر از وظیفه مجلس خارج است (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۵، جلسه ۱۴۳، (۱۳۰۳/۱۲/۲۷)).

ضیاء الواعظین^۱ که از موافقان این طرح بود می گوید:

یک ملت زمانی خود را قوی می بیند که آثار ملی خود را احیا کرده باشد و آن وقت است که می تواند دیانت خود را حفظ نماید.

شیخ الرئیس^۲ هم عقیده داشت مردم از اینکه بگویند در ماه گاو به دنیا آمده اند خوششان نمی آید و اینکه این طرح در ماه های عربی تغییری ایجاد نمی کند و آنها به قوت خود باقی هستند. محمد تدین که خود از تجددطلبان بود گفت:

ما نباید از عربها، عرب تر شویم زیرا آنها خود از تاریخ رومی (میلادی) استفاده می کنند.

مدرس وسط حرف تدین می آید که

این طور نیست بلکه تمامش محرم و صفر و... است.

۱. سید ابراهیم ضیا قشقایی (۱۲۶۷-۱۳۲۲)، نماینده ایل قشقایی در دوره های پنجم تا هفتم مجلس شورای ملی.

۲. شاهزاده محمد هاشم میرزا افسر معروف به شیخ الرئیس (۱۲۵۳-۱۳۱۹) نماینده سبزوار بود.

تدین می‌گوید

تاریخ رسمی در ممالک اسلامی آنکه بر اصول اقتصادی و معاملات است تاریخ رومی است و برای اصول مذهبی تقویم هجری قمری است، بهتر است در ماده واحده‌ای کلمه قمری هم بیاید تا سوءتعبیر نشود (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۵، جلسه ۱۴۳، (۱۳۰۳/۱۲/۲۷)).

رای‌گیری طرح به جلسه دیگری موکول شد و در جلسه ۱۱ فروردین ۱۳۰۴ ش/۶ رمضان ۱۳۴۳ ق/۳۱ مارس ۱۹۲۵ م طرح تبدیل اسامی ماه‌ها به رای گذاشته شد. ابوالحسن حائری زاده از مخالفان این طرح پیشنهاد می‌دهد که اسامی ابداعی سید جلال‌الدین طهرانی برای ماه‌های دوازده‌گانه استفاده شود، که در نهایت موافقت نمی‌شود. سید حسن تقی‌زاده به‌عنوان موافق و مطرح‌کننده این پیشنهاد می‌گوید که تمام ملل جهان تاریخ صحیحی برای خود برگزیده، ایران هم در بیست سال گذشته که امور گمرک به دست بلژیکی‌ها سپرده شد لزوم استفاده از تقویم شمسی احساس می‌شد و ماه‌های قمری برای پرداخت حقوق مناسب نبود، سال شمسی را برای خود انتخاب کرد اما به‌جای ماه‌های باستانی ایرانی از بروج آسمانی استفاده کردند. سرانجام این طرح، در دو ماده که شرح آن رفت تصویب شد و فقط تغییر کوچکی داده شد که اسفند ۲۹ روز شد و در تبصره قرار بر این گشت که در سال‌های کیسه اسفند ۳۰ روز باشد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۵، جلسه ۱۴۸، (۱۳۰۴/۱/۱۱)).

در این قانون از روش کیسه‌گیری سخنی به میان نیامده بود. به همین منظور در دوره پهلوی دوم، بنا به دعوت وزارت فرهنگ، گروهی برای بررسی قانون گاه‌شماری رسمی تشکیل شد. افراد شرکت‌کننده در این جلسه عبارت بودند از غلامحسین رهنما^۱، مهندس محسن انصاری، دکتر محسن نصر، دکتر آل‌بویه، دکتر ریاضی و افضلی پور. (سازمان اسناد...، سند شماره ۴۶-۲۹۳؛ تصویر شماره ۴). برای رفع مشکل کیسه‌گیری، دکتر ریاضی تعدیل‌گرگوری را پیشنهاد کرد اما غلامحسین رهنما با ذکر میزان خطای تعدیل‌گرگوری و تعدیل جلالی، پیشنهاد کرد هر چهار سال یک‌بار کیسه شود

۱. غلامحسین رهنما (۱۲۶۲-۱۳۲۵) استاد ریاضی و نجوم و شاگرد عبدالغفار نجم‌الدوله بود و در سال ۱۳۲۴ ش وزیر فرهنگ بود.

و در هر پانصد سال، چهار روز را حذف کنند و نام این تعدیل را «تعدیل پهلوی» گذاشتند (اکرمی، ص ۸۰).

روزنامه شفق سرخ به سردبیری علی دشتی که نمایندگی طیف نوگرا و متجدد روزگار خود را داشت و به منظور ایجاد یک موج نو از جریان تجددخواهی در کشور منتشر می‌شد (زاهد، ص ۱۹۸)، در آخرین شماره سال ۱۳۰۳ ش/۱۹۲۵م مقاله‌ای در باب تغییر اسامی ماه‌ها منتشر کرد که در آن آمده بود:

بعضی خیال می‌کنند برج عقرب و برج سرطان برای ماه‌های شمسی از آسمان نازل شده و نباید تغییر کند. بعضی دیگر خیال می‌کنند اسفندماه و بهمن‌ماه اگر دوباره رایج شود بنیان قومیت ایران مستحکم خواهد شد. یادگرفتن این ماه‌ها بی‌زحمت و حتی برای اطفال هم آسان است و یک ترتیب به‌کلی طبیعی است. نه بوی‌گیری از آن استشمام می‌شود و نه رایحه رکاکت عربی و ترکستانی (روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۵، ص ۱).

به‌رغم ابلاغ قانون تغییر نام ماه‌ها بعد از گذشت چند ماه هنوز بعضی از ادارات و سازمان‌ها دچار مشکل می‌شدند، زیرا تقویم‌های چاپ‌شده سال ۱۳۰۴ ش/۱۹۲۵م مطابق بروج تهیه‌شده بودند و از جمله اداره معارف و اوقاف عراق (اراک کنونی) در ۳۰ تیر ۱۳۰۴ ش/۲۱ جولای ۱۹۲۵م، از اداره اوقاف تهران خواسته بود مشخص کند که از کدام تقویم‌ها استفاده کنند، دولت هم شش نسخه تقویم شمسی با ماه‌های فارسی به اراک فرستاد (سازمان اسناد...، سند شماره ۳۶۱۶۴-۲۹۷؛ تصویر شماره ۵).

در نامه‌ای به تاریخ ۸ مرداد ۱۳۰۴ ش/۳۰ جولای ۱۹۲۵م، وزارت مالیه نیشابور از وزارت مالیه درخواست کرده بود چون تقویم امسال برحسب بروج تهیه شده و با ماه‌های رسمی اختلاف دارد لازم است تقویم‌های جدید به وزارتخانه داده شود تا تاریخ‌ها اصلاح شود (سازمان اسناد...، سند شماره ۵۱۲-۹۰-۲۴۰؛ تصویر شماره ۶).

از دیگر مشکلات اصلاح تقویم این بود که در ولایات بعضی از تجار علاقه‌مند به استفاده از تاریخ قمری بودند و این تاریخ را در کلیه نوشته‌های خود به کار می‌بردند، در ۲۳ دی ۱۳۰۴ ش/۱۳ ژانویه ۱۹۲۶م از وزارت مالیه درخواست شد تا هیچ سند و قبضی بدون تاریخ شمسی باستانی قبول نمایند زیرا برای تعیین موعد قبوض و تطبیق دادن آن، وقت بسیاری تضييع می‌شود (سازمان اسناد...، سند شماره ۲۵۷۱۸-۲۴۰؛ تصویر شماره ۷).

اما با گذشت زمان، با استفاده از تقویم هجری شمسی با ماه‌های فارسی مشکلاتی از این قبیل برطرف گردید و این اصلاح تقویم باعث شد به این امور سر و سامان داده شود.

مُبدع اصلاح تقویم

اصلاح تقویم در ۱۱ فروردین ۱۳۰۴ ش به تصویب مجلس شورای ملی رسید. در این مقطع زمانی از لحاظ قانونی حکومت قاجار هنوز روی کار بود اما کشور دچار هرج و مرج شده بود، احمد شاه قاجار، شاه قانونی از کشور رفته بود و رضاخان که با کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ ش/۲۲ فوریه ۱۹۲۱ م، مطرح شده بود، رئیس‌الوزرا بود. با در نظر گرفتن وقایع آن زمان به سختی می‌توان این ادعا را پذیرفت که رضا خان به دنبال اصلاح تقویم بوده باشد. بر این اساس و اسنادی که در این تحقیق به دست آمده است به نظر می‌رسد که نمایندگان مجلس پنجم و به‌ویژه شخص تقی‌زاده به دنبال اصلاح تقویم بودند. تقی‌زاده در باب تقویم و تقویم‌نگاری تحقیقات بسیاری انجام داده و در روزنامه کاوه مطالبی در مورد تقویم و اصلاح آن نوشته بود و هم‌چنین سال‌ها بعد کتابی با عنوان گاه‌شماری در ایران قدیم به رشته تحریر درآورد که در آن به تکامل و تحولات تدریجی گاه‌شماری ایرانی پرداخته شده است.

تقی‌زاده پس از تعطیل شدن روزنامه کاوه و بازگشت به ایران، به‌عنوان نماینده وارد مجلس پنجم شورای ملی شد. او که از سال‌ها قبل به دنبال اصلاح تقویم بود، در این دوره مجلس توانست طرح خود را به تصویب برساند. این طرح به‌طور کامل شامل نکاتی بود که تقی‌زاده در روزنامه کاوه خواستار آن بود. می‌توان گفت شاید تعدادی از نمایندگان حرف‌های تقی‌زاده را در صحن مجلس درک نمی‌کردند و به همین خاطر، تغییر اسامی ماه‌ها را کاری نه‌چندان مهم تلقی می‌کردند و عده‌ای نیز که از احساسات ناسیونالیستی سرشار بودند، این تغییر را بسیار باارزش می‌دانستند. این طرح که با عنوان تغییر اسامی ماه‌ها تصویب گردید باعث شد تا خود به خود از تقویم قمری استفاده‌ای در ادارات و مکاتبات نشود و تقویم هجری قمری به اعمال مذهبی محدود شد. این طرح باعث شد اختلاف تقویم‌ها و مشکلات تطبیق دادن آنها نیز از میان برود.

منابعی را که در باره اصلاح تقویم مطالبی نوشته‌اند می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: منابعی که اصلاح تقویم را منتسب به مجلس شورای ملی می‌دانند و منابعی که این تغییر را از اصلاحات رضاشاه می‌دانند.

روند اصلاح تقویم هجری شمسی.../۲۵۱

در یادداشت‌های سیاسی ایران^۱ این اقدام حاصل مذاکرات مجلس دانسته شده است، در گزارش روز ۷ اردیبهشت ۱۳۰۴ ش/۲۷ آوریل ۱۹۲۵ م، خلاصه‌ای از رخدادهایی که در ایران اتفاق افتاده بود برای دولت مردان انگلستان فرستاده شده است که یکی از آنها به پیشنهاد مجلس مبنی بر بازگشت نام قدیمی ماه‌ها اشاره می‌کند (ج ۵، ص ۲۷۸).

عبدالله مستوفی از دیگر کسانی است که به قانون اصلاح تقویم در کتاب خود پرداخته است، او با این کار مجلس بسیار موافق بود زیرا در ایران تقویم‌های مختلفی به چاپ می‌رسید و مشکلاتی را به وجود می‌آورد. بعضی به سلیقه خود تقویم قمری چاپ می‌کردند، برخی تقویم ترکی و بعضی حمل و ثور تقویم برجی. اما با تصویب این قانون اختلاف سررسیدها مرتفع گشت (ج ۳، ص ۶۵۰).

یحیی دولت‌آبادی که خود از نمایندگان دوره پنجم مجلس شورای ملی بوده است، یکی از کارهای مهم این مجلس را تغییر دادن ماه‌های عربی و ترکی به ماه‌های فارسی می‌داند. وی در کتابش می‌نویسد:

با اینکه ماه‌های قمری در ایران رواج داشت اما برای محاسبات دولتی به سال و ماه شمسی احتیاج بود. بنا بر این به برج‌های دوازده‌گانه خورشید توسل جستند، اما مجلس پنجم موش و بقر را متروک ساخت و فروردین و اردیبهشت را رواج داد. تا مدتی در دوایر مذهبی از ماه‌های عربی استفاده می‌شد ولی کم‌کم از میان رفت و شاید همین محرم و رمضان به مناسبت عزای حسینی و روزه گرفتن دوام داشته باشد (دولت‌آبادی، ج ۴، ص ۳۹۵-۳۹۹).

سعید نفیسی در کتاب خود که در سال ۱۳۴۵ ش/۱۹۶۶ م در باره اقدامات رضا شاه چاپ شده، یکی از اصلاحات اجتماعی آن دوره را اصلاح تقویم می‌داند. البته نفیسی متذکر می‌شود که این قانون از مجلس گذشته است که به موجب آن تقویم باستانی و ملی ایران رسمیت یافت (نفیسی، ص ۹۳).

کتاب‌هایی که در دوره پهلوی دوم و بیشتر در انتشارات وابسته به حکومت منتشر شده‌اند، پیشنهاد اصلاح تقویم را از رضاشاه می‌دانند. در گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی ایران در روزشمار ۱۱ فروردین ۱۳۰۴ ش آمده که به فرمان سردار سپه مقرر شد که به جای

تقویم‌های ترکی و عربی با سال قمری، تقویم ایرانی با نام‌های فارسی از نخستین روزهای بهار در فروردین تا پایان اسفندماه معمول شود، قانون اصلاح تقویم در مجلس شورای ملی تصویب شد و برای اجرا به دولت ابلاغ شد (ج ۱، ص ۴۲).

در کتابی دیگر که قانون‌های دوران پهلوی در آن به ترتیب روزبه‌روز آمده است این‌گونه می‌نویسد:

در اجرای فرمان اعلی‌حضرت رضا شاه کبیر دایر بر تبدیل بروج به ماه‌های فارسی از نوروز ۲۴۸۴ (۱۳۰۴ش) / ۱۹۲۵ م مقرر گردید اسامی ماه‌ها از بروج عربی به ماه‌های فارسی تغییر پیدا کند و متعاقب آن مجلس قانونی مشتمل بر دو ماده در جلسه ۱۱ فروردین ۱۳۰۴ ش به تصویب رساند (صدری، ص ۱۲).

در این تاریخ رضاخان هنوز شاه نشده بود، لذا گفته صدری نمی‌تواند درست باشد که این اقدام را جزو اقدامات سلطنت رضا شاه می‌داند.

صفایی نیز در کتاب خود رضا شاه را درخواست‌کننده این اصلاح می‌داند و معتقد است از آنجایی که رضا شاه برای تجدید حیات فرهنگی ایران جنبشی را آغاز کرده بود و می‌خواست فرهنگ ملی را از آثار نفوذ بیگانه بپیراید دستور داد وزارت فرهنگ اصلاح تقویم را با جلب نظر دانشمندان علم تقویم‌نگاری مورد توجه قرار دهد. در نتیجه لایحه‌ای به مجلس تقدیم شد مبنی بر تغییر اسامی ماه‌ها که در فروردین ۱۳۰۴ ش / ۱۹۲۵ م به تصویب رسید (صفایی، ص ۲۲). این مطلب نیز نادرست است زیرا تغییر اسامی ماه‌ها یک طرح بود که از جانب نمایندگان مطرح شده بود نه یک لایحه که دولت آن را به مجلس تقدیم کرده باشد.

حسین مکی در کتاب تاریخ بیست ساله چنین آورده است:

دو سه ماه پس از واقعه مسجد گوهرشاد ۲۵ تیر ۱۳۱۴ ش / ۱۷ جولای ۱۹۳۵ م دولت بخش‌نامه زیر را صادر نمود: نظر به اینکه تاریخ رسمی کشور برای ماه‌های شمسی تنظیم شده و موافق قانون مصوب فروردین ۱۳۱۴ ش تمام دوائر دولتی مکلف به اجرای آن هستند، بنا بر این لازم است که از تاریخ وصول این متحدالمال در کلیه اسناد معاملات رسمی و نوشته‌جات تاریخ شمسی را قید و از ذکر تاریخ قمری مطلقاً خودداری نمایند (مکی، ج ۶، ص ۳۲۴).

اما این اطلاعاتی که حسین مکی در باره تغییر تقویم در دوره پهلوی اول آورده به کل اشتباه است، زیرا اولاً تاریخ اصلاح تقویم فروردین ۱۳۰۴ ش/مارس ۱۹۲۵ م است که در مجلس پنجم به تصویب رسیده است. دوم اینکه بعد از واقعه گوهرشاد چنین مصوبه‌ای موجود نیست و واقعه گوهرشاد در سال ۱۳۱۴ ش/۱۹۳۵ م اتفاق افتاد، یعنی حدوداً ده سال بعد از تغییر تقویم. علاوه بر این در هیچ‌یک از مصوبات مجلس برای تغییر تقویم این نکته نوشته نشده که از ذکر تاریخ قمری خودداری شود. حسین مکی نیز در کتابش به منبعی که بتوان صحت این موضوع را دریافت ارجاع نداده است.

منابع متأخر که اکثر آنها از کتاب تاریخ بیست ساله استفاده کرده‌اند به همین اشتباه دچار شده‌اند، یکی از این کتاب‌ها باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران است (بیگدلو، ص ۲۶۸).

بعضی منابع تحقیقی پا را فراتر گذاشته و معتقدند رضا شاه به تقلید از آتاتورک، تقویم را تغییر داد. این در صورتی است که ترکیه حدود ۹ ماه پس از تغییر تقویم ایران، تقویم کشورش را تغییر داد (نک: قاسملو، ج ۷، ص ۸۴). تقویم مالیه ترکیه که مبنای آن ماه‌های یونانی و سال هجری قمری بود از اواخر قرن هجده توسط عثمانیان به کار گرفته شد و در سال ۱۹۱۷ م/۱۳۲۵ ش با ماه‌های گرگوری تطبیق داده شد. ولی اساس آن را سال هجری قمری تشکیل می‌داد، اما تقویم هجری قمری ترکیه در ۵ دی ۱۳۰۴ ش/۲۶ دسامبر ۱۹۲۵ م ملغی گردید (لوئیس، ص ۳۷۹) و تقویم گرگوری با مبدأ میلاد مسیح رسمیت یافت. دلیل دیگر را تأثیرپذیری رضا شاه از آتاتورک می‌دانند که رضا شاه پس از مسافرت به ترکیه اقدام به اصلاحات کرد در صورتی که رضاشاه سال ۱۳۱۳ ش/۱۹۳۴ م به ترکیه مسافرت کرد و تغییر تقویم در ایران در سال ۱۳۰۴ ش اتفاق افتاد لذا نمی‌تواند اصلاح تقویم از نتایج سفر رضا شاه به ترکیه باشد.

نتیجه

نظام تقویم ایران در ساختارهای دولتی دوره قاجار متأثر از نظام‌های گاه‌شماری متفاوت بود که موجب نوعی ناهماهنگی در انجام امور دولتی می‌شد تا اینکه پس از تأسیس مجلس شورای ملی، قانون اصلاح تقویم به تصویب این مجلس رسید. یکی از زمینه‌های مهم اصلاح تقویم در مجلس دوم شورای ملی رقم خورد. لایحه‌ای به مجلس تقدیم شد که در آن مقیاس زمان در محاسبات دولتی سال شمسی و ماه‌های برجی مقرر شد. سید حسن تقی‌زاده در این دوره در باره لزوم استفاده از تقویم شمسی و استفاده از ماه‌های

شمسی مقالاتی در روزنامه کاوه به چاپ رساند. در این سالها در کشور از تقویم هجری قمری و ماههای برجی و سال شماری دوازده حیوانی و در معاملات اقتصادی از تقویم هجری شمسی و در بعضی ادارات هم چون گمرک از تقویم میلادی استفاده می شد. رواج چند تقویم در کشور باعث شده بود که هم در تقویمها اختلافاتی به وجود آید و هم تطبیق دادن این تقویمها مشکلات فراوانی ایجاد کرد. در مجلس پنجم شورای ملی، تقی زاده به همراه دیگر نمایندگان طرحی با عنوان تغییر اسامی ماهها مطرح کردند. هر آنچه تقی زاده خواستار تغییر آن در باره تقویم در روزنامه کاوه بود در این طرح گنجانده شد. این طرح در ۱۱ فروردین ۱۳۰۴ ش به تصویب رسید. با تصویب این طرح استفاده از سال شماری دوازده حیوانی و ماه شماری برجی منسوخ شد و تقویم رسمی کشور، هجری شمسی با مبدأ هجرت پیامبر از مکه به مدینه شد. با توجه به اینکه تصویب این قانون پیش از آغاز دوران پهلوی انجام شده است، قرار دادن این تغییر در زمره اصلاحات پهلوی اول از جمله تحریفاتی است که بعدتر به کتابها راه یافته است.

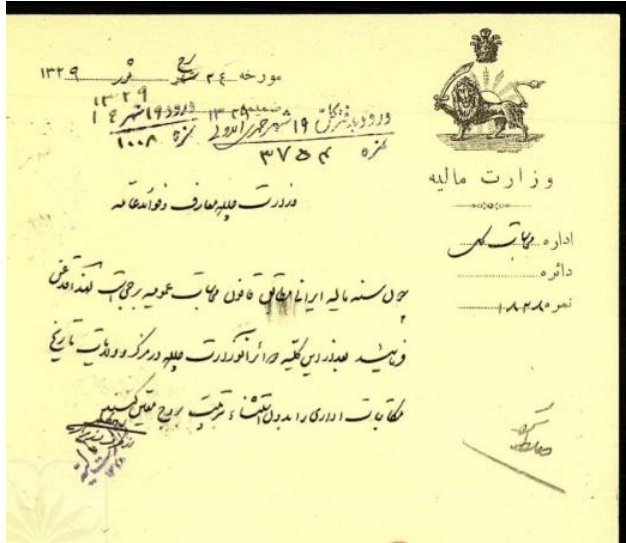
منابع

- افشار، ایرج. (۱۳۷۲ش). زندگی طوفانی: خاطرات سید حسن تقی‌زاده. تهران: انتشارت علمی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی. (۱۳۷۴ق) چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه (المآثر و الآثار). ج ۱. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- اکرمی، موسی. (۱۳۸۰ش). گاه‌شماری ایرانی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بیرشک، احمد. (۱۳۶۷ش) گاهنامه تطبیقی سه‌هزارساله: تطبیق تاریخ‌های ایرانی و هجری قمری و میلادی... تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- بیگللو، رضا. (۱۳۸۰ش). باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران. تهران: نشر مرکز.
- تقی‌زاده، حسن. (۱۳۱۶ش). گاه‌شماری در ایران قدیم. تهران: کتابخانه طهران.
- دولت‌آبادی، یحیی. (۱۳۶۲ش). حیات یحیی. ج ۴. تهران: عطار، فردوسی.
- روزشمار تاریخ معاصر ایران. (۱۳۹۳ش). ج ۵. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- روزنامه کاوه. ۲۹ فروردین ۱۲۹۵ (دوره قدیم. ش ۵ و ۶)؛ ۲۱ فروردین ۱۳۰۰ (دوره جدید، ش ۴)؛ ۱۶ تیر ۱۳۰۰ (دوره جدید، ش ۷)؛ ۱۳ شهریور ۱۳۰۰ (دوره جدید، ش ۹).
- زاهد، فیاض. (۱۳۸۹ش). عصر طلایی مطبوعات ایران ۱۲۹۹-۱۳۰۴ شمسی. تهران: خانه تاریخ و تصویر ابریشمی.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران سندهای شماره ۱۳۵۵۳-۲۴۰؛ ۱۵۲۱۷-۲۴۰؛ ۲۵۷۱۸-۲۴۰؛ ۲۴۰-۹۰۵۱۲-۲۴۰؛ ۲۹۳-۴۶؛ ۲۹۷-۵۷۴؛ ۲۹۷-۳۶۱۶۴-۲۹۷.
- صدری، حمید. (۲۵۳۵) (۱۳۵۵ش)). سخن تاریخ. تهران: مرکز ارتباط جمعی.
- صفایی، ابراهیم. (۲۵۳۶) (۱۳۵۶ش)). رضاشاه کبیر و تحولات فرهنگی ایران. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.
- طهرانی، جلال‌الدین. (۱۳۰۷ش). گاهنامه طهران: برای سال ۱۳۰۷. تهران: کتابخانه طهران (مطبعة مجلس).
- عین السلطنه، قهرمان میرزا. (۱۳۷۴ش). روزنامه خاطرات عین السلطنه. ج ۵. به کوشش مسعود سالور، ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- فراهی، ابونصر. (۱۳۶۱ش) نصاب الصبیان. تصحیح محمد جواد مشکور. تهران: اشرفی.
- قاسملو، فرید. (۱۳۸۲ش). «تقویم». دانشنامه جهان اسلام. ج ۷. تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ص ۸۰۸-۸۷۰.
- گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی: فهرست روزبه‌روز وقایع سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی ایران از ۳ اسفند ۲۴۷۹ تا ۳ اسفند ۲۵۳۵. (۱۳۵۵ش). ج ۱. انتشارات کتابخانه ملی پهلوی.
- لویس، برنارد. (۱۳۷۲ش). ظهور ترکیه نوین. مترجم محسن علی سبحانی. تهران.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۴ش). شرح زندگانی من. ج ۳. تهران: زوار.

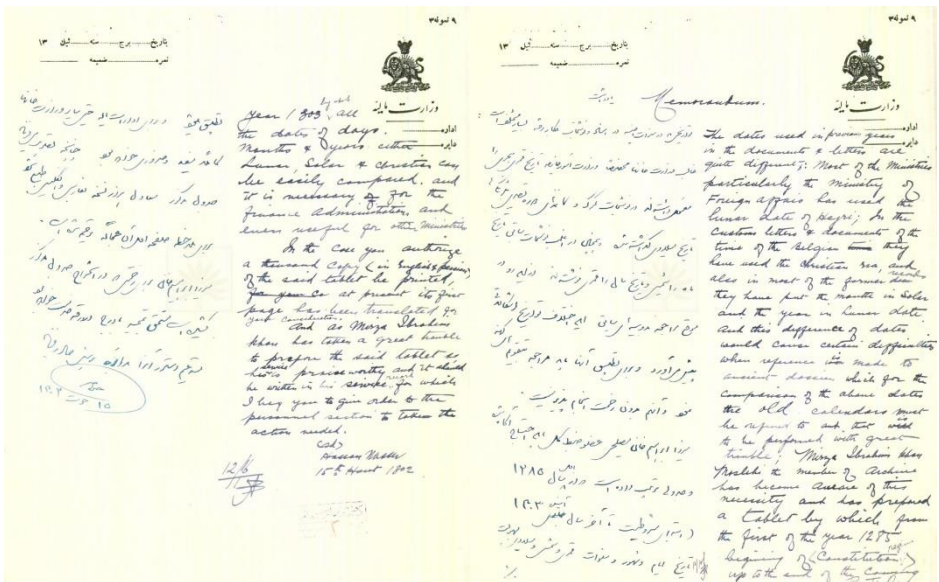
مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، مضبوط در لوح فشرده مشروح مذاکرات مجلس.
مکی، حسین. (۱۳۷۴ش). تاریخ بیست ساله ایران. ج ۶. تهران: علمی.
منشی، اسکندر بیگ. (۱۳۷۷ش). تاریخ عالم آرای عباسی. ج ۲. به تصحیح محمد اسماعیل
رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
نفیسی، سعید. (۱۳۴۵ش). تاریخ معاصر ایران از چهارم اسفندماه ۱۲۹۹ تا بیست و چهارم
شهریورماه ۱۳۲۰. تهران: فروغی.
صیاد، محمدرضا. (۱۳۷۵ش). «پیدایش و سیر تحول تقویم هجری شمسی». میراث جاویدان،
س ۴، ش ۱۵ و ۱۶، ص ۱۰۹-۱۱۸.

Iran Political Diaries 1881-1965. (1997). Edited By R.M.Burrell/Robert
L.Jarman. Oxford:Archive Editions.

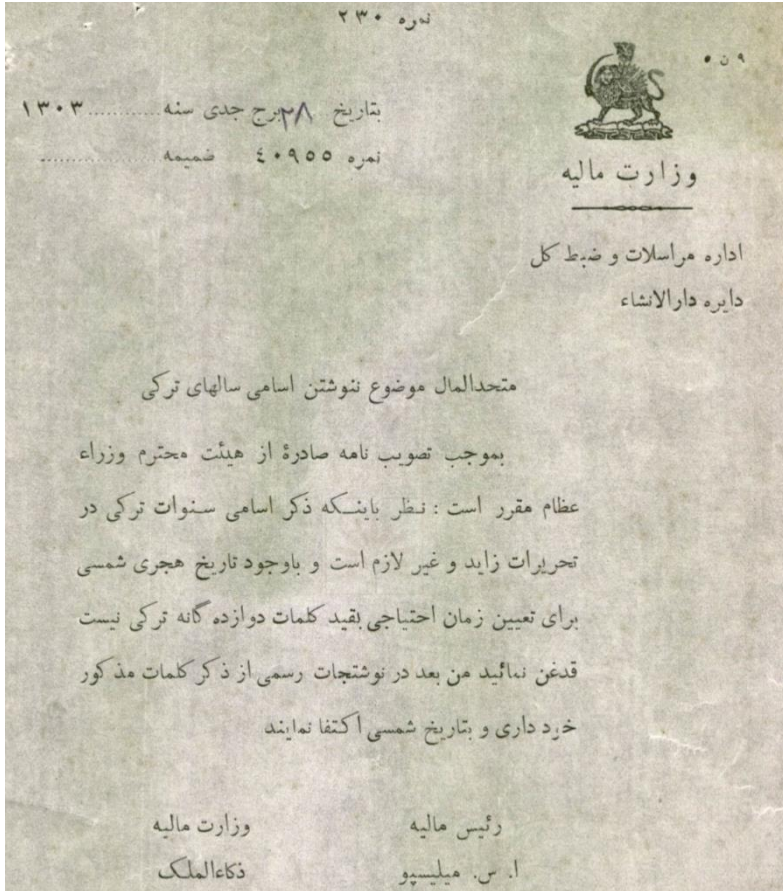
پیوست. تصاویر اسناد



تصویر شماره ۱



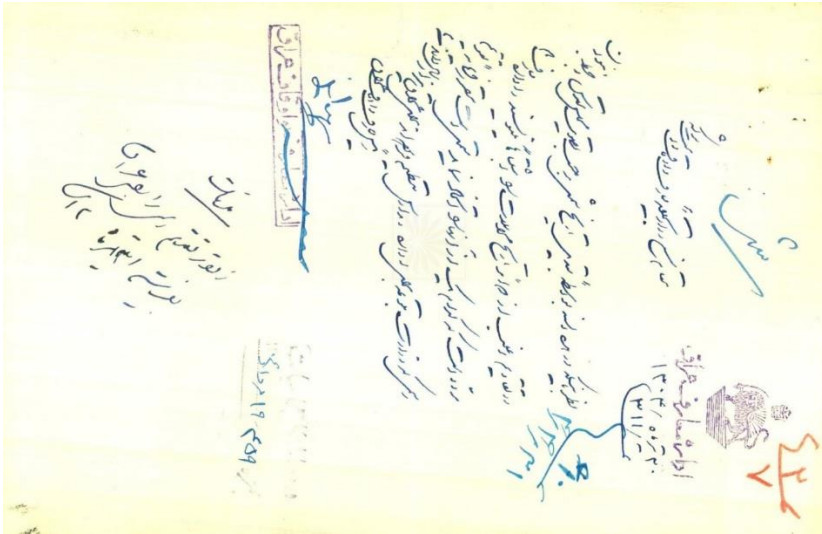
تصویر شماره ۲



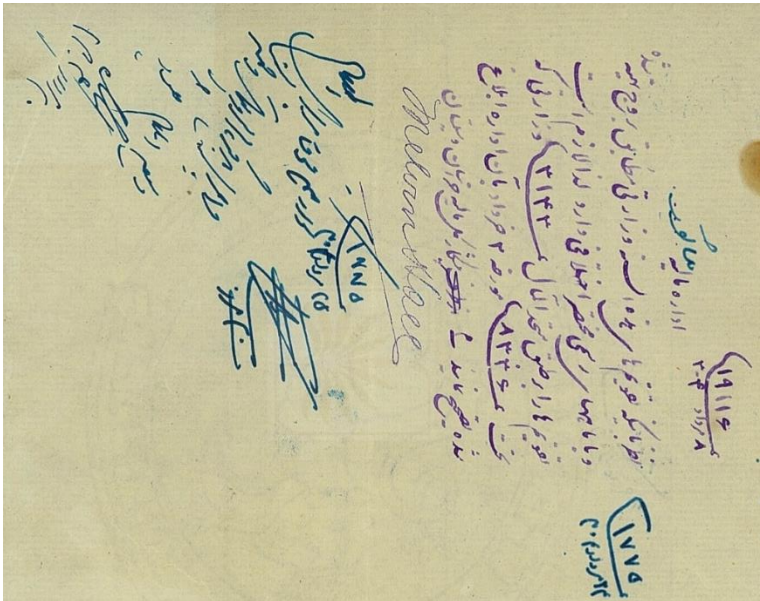
تصویر شماره ۳



تصویر شماره ۴




تصویر شماره ۵



تصویر شماره ۶

پتاریج ۳۳۳ برج سرعاصنه... نیل عم ۱۷۰
 عمده ۱۰۷۰۴ ضمیمه


 وزارت مالیه
 اداره
 دایره

سازت ریاست گرامه

چون دینان و دلتیرت حقیقت مانده برین وجه نیز تبار و کسب است
 قمر را در کله نوشتنات و قوض خود تا بکمال بدادست میدهند . نظر
 کلیه رفتار و عملیات و قمر و صدوه ۲ مالوز رور تاریخ شمس و بستن
 تا براین لدم است با دله مالیه دینان و سورداده شود که من بعد نظر سید
 ادار و اجراء مقررات وزارت مالیه قضا و سند رسم و قشر برین تاریخ شمس
 باستانه قبول نماید . به هر است تبار و دشمن طرف ساعده مبارز خواهد بود
 که علاوه بر تاریخ فوق تاریخ دیگر نیز در زیر پهل خود ثبت نمایند .
 و لیکن به پیشنها وضع ایفادست فوق الهامه است که در موقع نقیض
 موجود نش بجزر بودم وقت دنیا در سر تسین موعد قوض استهلاک تمام
 است .

مستتر در تاریخ
 ل-۵۵۰

در ۱۳۳۳ به قمر
 تاریخ شمسی
 عمده ۷۲۶

تصویر شماره ۷